

The Position of the Intention of Closeness to Allah in Religious Endowment (Waqf) in the View of Islamic Jurisprudence and Iranian Law

Gholamreza Yazdani¹, Mostafa Hosseini²

1. Assistant Professor, Department of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran
2. Assistant Professor, Department of jurisprudence, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

(Received: July 16, 2020; Accepted: April 25, 2021)

Abstract

Regarding the religious endowment, a discussion is raised among the jurists and researchers about the position of the intention of closeness to Allah in religious endowment and therefore the result of its essence. The Civil Code, which examines the rulings on religious endowment, has not stated the necessity of stipulating the intention of proximity in religious endowment. There are three views among jurists in jurisprudence; some consider the intention of proximity in religious endowment as a condition of correctness, and some deny the condition of the intention of proximity. The third group also elaborate between general and specific religious endowment. They consider intention as a condition for general endowment but not specific endowment. The present study, using the analytical-descriptive method and relying on the library method as well as the originality of the absolute, the validity of the infidel's religious endowment, the lack of reason for the necessity of the intention of proximity, it has been concluded that the intention of proximity is not a condition for religious endowment. The silence of Civil Law can also be attributed to the acceptance of this theory.

Keywords: Intention of Closeness, Endowment, Imamiyyah Jurisprudence, Sunni Jurisprudence.

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۵۸۵-۵۵۵ (مقاله پژوهشی)

جایگاه قصد قربت در وقف از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق ایران

غلامرضا یزدانی^{۱*}، مصطفی حسینی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

۲. استادیار، گروه فقه، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵)

چکیده

یکی از مباحثی که در خصوص وقف، بین فقها و محققان مطرح است، جایگاه قصد قربت در وقف بوده و در نتیجه جستی ماهیت آن است. قانون مدنی که به بررسی احکام وقف پرداخته، در خصوص لزوم اشتراط قصد قربت در وقف، حکم را بیان نکرده است. در فقه بین فقها، سه دیدگاه وجود دارد؛ برخی قصد قربت را در وقف، از شرایط صحت می‌دانند و گروهی منکر شرطیت قصد قربت‌اند. گروهی نیز بین وقف عام و وقف خاص تفصیل داده و در وقف عام، قصد را شرط دانسته و در وقف خاص، شرط نمی‌دانند. در تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر روش کتابخانه و به استناد به اصالت‌الاطلاق، صحت وقف کافر، عدم دلیل بر لزوم قصد قربت این نتیجه به دست آمده است که قصد قربت از شرایط وقف نیست. سکوت قانون مدنی را نیز می‌توان حمل بر پذیرش همین نظریه کرد.

واژگان کلیدی

اهل سنت، فقه امامیه، فقه، قصد قربت، وقف.

۱. مقدمه

امروزه در بیشتر کشورها به‌خصوصاً قدرت‌های برتر اقتصادی، اقتصاد بخش سوم مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و تلاش به‌منظور فعال‌تر کردن هرچه بیشتر این بخش بسیار فراوان است. در حقوق اسلامی، نهاد وقف، از مهم‌ترین نهادهایی است که می‌تواند اقتصاد بخش سوم را هم باور و هم ابدی سازد. از طرفی متأسفانه قانون مدنی ایران، با وجود اشاره به مقررات حاکم بر وقف، بسیار مختصر و مجمل بوده و بسیاری از سؤالات در خصوص آن را با سکوت برقرار کرده است. از این رو پرداختن به زوایای این نهاد حقوقی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. مسئله قصد قربت در وقف، از جهاتی مورد اهمیت است؛ از جمله اینکه در این بحث نشان می‌دهد که وقف در ردیف عبادات استیا خیر.

به هر حال، در خصوص لزوم یا عدم لزوم قصد قربت در وقف، قانون مدنی سکوت اختیار کرده است. در فقه امامیه نظریه لزوم قصد قربت، بین قداما از شهرت برخوردار بوده و شاید اولین فقیهی که در اشتراط قصد قربت در وقف، تردید کرده است، فاضل آبی است (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۴۸).^۱ پساز فاضل آبی، از ظاهر کتاب شریع به نظر می‌رسد، محقق اول در شریع، قصد قربت را در وقف، شرط نمی‌داند.^۲ با وجود این، ایشان در نکات‌نهاییه، تصریح می‌کند که قصد قربت، شرط صحت وقف است (محقق اول، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۱۱۹). سپس نظریه لزوم قصد قربت بین فقها قوت گرفته تا اینکه شهید اول، در لعمه به این شرط اشاره‌ای نکرده (شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۹۹) و در دروس با تردید آن را عنوان کرده است.^۳ پساز ایشان، اختلاف نظر در خصوص اشتراط یا عدم اشتراط قصد قربت، بسیار بالا گرفته و تا امروز این

۱. «و لو وقف الكافر على البيع و الكنائس صحّ الوقف ... فأجاب بأنه يمكن ان يقال: أن نية القربة شرط في الوقف، و لا يمكن ذلك في الكافر، فلا يصح منه الوقف. و لقائل أن يمنع المقدمتين، و الوجه الصحة، إذ كل قوم يبدان بدينهم و معترفون بمعبود يتوجهون اليه.»

۲. محقق اول، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۶۹. «و لو وقف على الذمی جاز لأن الوقف تملیک فهو كإباحة المنفعة و قيل لا يصح لأنه يشترط فيه نية القربة إلا على أحد الأبوين.»

۳. شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۶۴. «و فی اشتراط نية التقرب وجه.»

اختلاف نظر با قوت وجود دارد، به گونه‌ای بین معاصران نیز دو دیدگاه مطرح است؛ متها برخی فقها، برای حل اختلاف تلاش کرده و در مسئله تفصیل داده‌اند و در وقف عام، قصد قربت را شرط صحت دانسته و در وقف خاص، شرط نمی‌دانند. ظاهراً اولین فقهی که این ایده را پیشنهاد داده است، سید ابوالحسن اصفهانی است (اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۵۳۰). ولی این ایده، مورد استقبال فقها قرار نگرفته است. به هر حال، در ادامه این سه نظریه نقد و بررسی می‌شود. پیش از ورود به بحث مناسب است به پیشینه تحقیق اشاره شود. در خصوص مسئله قصد قربت در وقف، تاکنون تألیف مستقلی به رشته تحریر در نیامده است و اغلب محققان در ضمن مباحث کتاب وقف به آن پرداخته‌اند. تنها نوشته‌ای که در این خصوص وجود دارد، مقاله‌ای است با عنوان «اعتبار قصد قربت در وقف» نوشته مجتبی نظیف که در مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۳۷ به چاپ رسیده است. این مقاله با وجود مباحث خوبی که دارد، به نوعی موضوع محور است و به منابع محدود فقهی مراجعه شده است. در حالی که نویسنده نوشتار حاضر، تلاش کرده است به صورت مسئله محور وارد بحث شود و تقریباً تمامی کتاب‌های فقهی و انظار فقها در مسئله حاضر به ترتیب تاریخ بررسی شده است. با اندک مقایسه مقاله حاضر با مقاله پیش گفته این جنبه به روشنی قابل تصدیق است.

۲. نظریه لزوم قصد قربت

برخی محققان بر این باورند که قصد قربت در عقد وقف از شروط صحت وقف است، به گونه‌ای که اگر وقف بدون قصد قربت انجام گیرد، باطل خواهد بود. این نظریه بین قدما از شهرت برخوردار است و امروزه نیز طرفداران بسیاری دارد. با توجه به ادله‌ای که برای اثبات این نظریه اقامه شده است، برخی از معاصران نتوانسته‌اند از تردید خلاص شوند و از این رو بنا بر احتیاط واجب لزوم قصد قربت را شرط صحت وقف دانسته‌اند. به هر حال، بسیاری از فقها طرفدار این نظریه‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۵۵؛ حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۴؛ طوسی ۱۴۰۰ق: ۵۹۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق: ج ۲: ۸۷؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۹۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق: ج ۳: ۱۶۰؛ کیدری، ۱۴۱۶ق: ۳۴۵؛ ابن سعید، ۱۴۰۵ق: ۳۷۰؛ سیوری، ۱۴۰۴ق: ج ۲: ۳۰۱؛ مؤمن قمی سبزواری، ۱۴۲۱ق: ۳۶۵؛ حسن حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱: ۴۵۱)

و ۱۲۶ و ۱۴۲۰ اق، ج ۳: ۲۹۵ و ۱۴۱۳ اق، ج ۲: ۳۸۸؛ شهید اول، ۱۴۱۷ اق، ج ۲: ۲۶۴؛ محقق سبزواری، بی تا، ج ۲: ۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ اق، ج ۱۰: ۹۴ و ۱۴۰۹ اق، ج ۲: ۲۳۵؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ اق، ج ۴: ۳۲؛ تستری، بی تا، ۲۵۸؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ اق: ۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ اق: ۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵ اق، ج ۴: ۲؛ مرعشی، ۱۴۰۶ اق، ج ۲: ۱۶۹).

بعضی فقها نیز بنا بر احتیاط واجب قصد قربت را شرط صحت وقف می‌دانند (گلبایگانی، ۱۴۱۳ اق، ج ۲: ۱۴۱؛ ابوطالب تبریزی، بی تا: ۵۲۷؛ بهجت، ۱۴۲۶ اق، ج ۳: ۳۶۶؛ حکیم، ۱۴۱۵ اق، ج ۲: ۲۶۶؛ سیفی مازندرانی، بی تا: ۷۵).

۲. ۱. ادله نظریه لزوم قصد قربت

طرفداران نظریه لزوم قصد قربت به ادله متعددی استدلال کرده‌اند.

۱. اجماع: برخی فقها برای اثبات لزوم قصد قربت در وقف، به اجماع استدلال کرده‌اند. از جمله ابن زهره پس از اینکه برای وقف، شرایطی ذکر کرده، قصد قربت را یک از شرایط عنوان کرده است. سپس برای اثبات این شروط به اجماع استدلال کرده است (ابن زهره، ۱۴۱۷ اق: ۲۹۸). ابن ادریس نیز به اجماع استدلال کرده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ اق، ج ۳: ۱۵۷). سید علی طباطبایی در ریاض، این اجماع را نقل و مورد تأیید قرار داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۸ اق، ج ۱۰: ۹۴) برخی دیگر از فقها نیز به این اجماع، اعتماد کرده و آن را مستند لزوم قصد قربت در وقف قرار داده‌اند (میرزای قمی، ۱۴۱۳ اق، ج ۴: ۳۲؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ اق: ۹). برخی محققان، اجماع منقول را حجت نمی‌دانند، ولی هرگاه در کنار اجماع قرینه‌ای بر صحت وجود داشته باشد، آنگاه آن اجماع اعتبار پیدا خواهد کرد. از جمله این قراین، شهرت است. در مسئله حاضر علاوه بر اجماع منقول، شهرت میان قدما نیز بر لزوم قصد قربت است (عاملی، ۱۴۱۹ اق، ج ۴: ۲۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ اق: ۹).

نقد و نظر: با توجه به ادله متعدد دیگری که بر لزوم قصد قربت در وقف دلالت می‌کنند، این اجماع مدرکی است و از این رو اعتباری ندارد. با توجه به اینکه در کتاب‌های بسیاری از فقها، اشاره‌ای به شرطیت قصد قربت برای وقف نشده است، ادعای اجماع بی‌مورد است (نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸).

۲. روایات لاصدقه الا ما ارید به وجه الله: در روایات متعددی، آمده است که «صدقه زمانی صحیح است که با قصد قربت باشد. از جمله این روایات، روایت حماد بن عثمان است. به موجب این روایت که کلینی نقل کرده است، امام صادق (ع) فرمودند: «صدقه و عتقی نیست مگر آنچه که قربت الی الله انجام شده باشد».^۱ شبیه این روایت نیز از جمعی از روایان دیگر نقل شده است.^۲ به هر حال، اولین فقیهی که به این روایات برای اثبات لزوم قصد قربت در وقف استدلال کرده است، محقق سبزواری است (محقق سبزواری، بی تا، ج ۲: ۶). سپس فقهای دیگری نیز به این روایات استدلال کرده اند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۸). وجه استدلال به این روایات این است که از طرفی منظور از «صدقه» در این روایات، وقف است و از طرفی، عبارت «لاصدقه» به معنای نفی صحت است؛ یعنی حضرت فرموده است: وقف صحیح نیست مگر زمانی که به قصد قربت انشا شود.

نقد و نظر: برخی محققان در نقد استدلال به این روایات فرموده اند که منظور از واژه «لا» در این روایات، «نفی صحت» نیست، بلکه «نفی کمال» است؛ یعنی صدقه کامل، صدقه ای که همراه با قصد قربت باشد. از این رو در صورتی که صدقه دادن یا وقف کردن، ثواب تعلق می گیرد که همراه با قصد قربت باشد و اگر واقف، قصد قربت نداشته باشد، از ثواب وقف کردن، محروم خواهد بود (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴۵۹: ۲۱).

در پاسخ به این استدلال می توان گفت، چون بدون تردید، وقف بدون قصد قربت، وقف است، از این رو مراد از واژه «لا» نمی تواند نفی حقیقت باشد. در نتیجه این واژه در معنای مجازی استعمال شده است و می دانیم در موارد استعمال مجازی، حمل کلام بر مجاز نزدیک نسبت به حمل آن بر مجاز بعید، ارجحیت دارد. از طرفی، «نفی صحت»

۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۰. «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن عثمان عن ابي عبد الله قال لا صدقة ولا عتق الا ما اريد به وجه الله عز وجل».

۲. همان: «وعنه عن ابيه عن ابن ابي عمير عن هشام وحماد و ابن اذينة و ابن بكير و غيرهم كلهم قالوا قال ابو عبد الله قال لا صدقة ولا عتق الا ما اريد به وجه الله عز وجل».

نسبت به «نفی کمال»، مجاز نزدیک به شمار می‌رود. از این رو باید گفت مراد از «لا صدقه»، لاصدقه صحیحه بوده است. بنابر این، اگر صدقه و وقف، فاقد قصد قربت باشد، صدقه و وقف صحیحی نخواهد بود (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۵۹؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۲). حتی برخی بر این اعتقادند که مراد از «لا» نفی حقیقت است، یعنی صدقه و وقفی که همراه با قصد قربت نباشد، اساساً صدقه و وقف نیست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۸).

با وجود این، از این دلیل نمی‌توان لزوم قصد قربت در وقف را اثبات کرد؛ چراکه از این روایات نمی‌توان استفاده کرد که تمامی انواع وقف، صدقه هستند، بلکه نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که زمانی وقف، صدقه به شمار می‌رود که با قصد قربت همراه باشد (نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸؛ سید یزدی، بی تا، ج ۱: ۱۸۶). به دیگر سخن، استدلال به روایت مذکور برای اثبات لزوم قصد قربت در وقف، زمانی تمام و کامل است که ثابت شود هر وقفی، عنوان صدقه بر آن منطبق است، در حالی که نمی‌توان این مطلب را به راحتی ثابت کرد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴ق: ۱۷؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۹: ۴۴۴).

شاهد اینکه بین وقف و صدقه تفاوت وجود دارد و نمی‌توان وقف را صدقه به شمار آورد. این است که در صدقه شرط است که افرادی که به آنها صدقه داده می‌شود، فقیر و مسکین باشند، ولی در وقف چنین شرطی وجود ندارد. از این رو می‌توان برای افراد غیرنیازمند نیز وقف کرد (نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۹).

افزون بر این، در این روایات نوعی اجمال وجود دارد، زیرا معلوم نیست منظور از «لا صدقه» نفی حقیقت است که عده‌ای گفته‌اند یا نفی کمال است که برخی محققان از جمله آخوند خراسانی بدان اعتقاد دارند (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۴). اگر مراد نفی کمال باشد، روایات دلالت بر بطلان وقف بدون قصد قربت خواهد کرد. از این رو، این روایات به سبب اجمال، قابل استدلال نیستند.

۳. وقف نامه امیرالمؤمنین علی(ع): به موجب روایتی که عبدالرحمن بن حجاج از امام موسی بن جعفر(ع) نقل فرموده است، امام علی بن ابی طالب(ع) در ذیل وقف نامه خود

می فرمایند: «هذه صدقة واجبة بتلأ حيا أنا أو ميتا ينفق في كل نفقة يبتغى بها وجه الله في سبيل الله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۴۹). در این وقف نامه، امام مکرر از اینکه این وقف، قریه الی الله صورت گرفته است، یاد می فرمایند و این نشان می دهد که در وقف، قصد قربت شرط است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۲: ۱۵۵).

نقد و نظر: آنچه از این روایت استفاده می شود، این است که حضرت (ع) در وقف خود، قصد قربت داشته است تا اینکه از ثواب وقف، بهره مند شود. اما اینکه لزوم قصد قربت، شرط صحت وقف است، از این روایت قابل استفاده نیست (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۲: ۱۵۵؛ نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸). به دیگر سخن، از این روایات استفاده می شود که وقف می تواند مصداق صدقه قرار بگیرد، اما اینکه تمامی انواع وقف، مصداق صدقه باشد، از این روایات قابل استفاده نیست (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۹: ۴۴۴؛ یزدانی، ۱۳۹۹: ۱۳۷).

۴. وقف نامه امام موسی بن جعفر (ع): در این وقف نامه حضرت (ع) می فرمایند: «تَصَدَّقَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ بِصَدَقَتِهِ هَذِهِ وَهُوَ صَحِيحٌ صَدَقَةٌ حَسْبًا بَتَلًا بَتًا لَا مَشُوبَةَ فِيهَا وَلَا رَدًّا أَبَدًا ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالِدَارِ الْآخِرَةِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۵۴).

اینکه حضرت (ع) به صراحت می فرمایند: «صدقه صحیح می دهم به قصد قربت»، نشان می دهد که در وقف، قصد قربت شرط صحت است.

نقد و نظر: همان نکته ای که در ذیل وقف نامه امام علی (ع) عنوان شد، در این وقف نامه هم قابل بیان است؛ یعنی از اینکه حضرت (ع) در وقف خود، قصد قربت داشته است، نمی توان استفاده کرد که قصد قربت، شرط صحت وقف است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۲: ۱۵۵؛ نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸).

۵. روایات عدم جواز رجوع از آنچه به قصد قربت پرداخت شده: در برخی روایات، آمده است که «شایسته نیست انسان آنچه را به قصد قربت داده است، پس گیرد. از جمله این روایات، روایت عبید بن زراره است. در این روایت از امام صادق (ع) درباره مردی سؤال شد که صدقه ای داده است و قصد دارد از صدقه اش عدول کند ... حضرت در پاسخ

فرمودند: شایسته نیست کسی چیزی را که برای خدا داده است، پس گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۰). شبیه همین مطلب را امام صادق(ع) در روایت زراره نیز عنوان کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹: ۱۵۲)

وجه استدلال به این طایفه از روایات آن است که بین وقف و صدقه، از این حیثکه در صحت هر دو، قصد قربت شرط است، تشابه وجود دارد، بلکه می‌توان گفت، وقف همان صدقه است، به این معنا در صدر اسلام و زمان ائمه(ع) از «وقف» به «صدقه» تعبیر می‌شده است. از طرفی در این روایات، ائمه(ع) می‌فرمایند کسی که صدقه می‌دهد، چون صدقه را برای تقرب به خداوند متعال می‌دهد، شایسته نیست از آن عدول کند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۲: ۱۵۵). به تعبیر دیگر، در روایات متعددی، از «وقف» تعبیر به «صدقه» شده است. دلایلی که در روایات از وقف به صدقه تعبیر شده است، این است که وقف برای تقرب به خداوند انجام می‌گیرد، نظیر صدقات.

نقد و نظر: همان‌طور که بیان شد، تمامی انواع وقف، حکم صدقه را ندارد و صرفاً وقفی حکم صدقه را دارد که با قصد قربت همراه باشد (نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸).

۶. اصالة الجزئیه در موارد شک در تحقق ماهیت: بدون تردید یکی از ارکان و مقومات عبادات، قصد قربت است. از این رومی‌توان گفت، یکی از اجزای هر عبادت، قصد قربت است. از طرفی هرگاه در ماهیت یک نهاد شرعی (اعتباری) شک شد که عبادت است یا خیر؛ این شک به این برمی‌گردد که آیا در این نهاد، قصد قربت شرط است یا شرط نیست. شک در جزئیت، در این موارد سبب‌تردید در تحقق ماهیت آن نهاد شرعی، می‌شود؛ بدین معنا که وقتی شک شد آیا قصد قربت از اجزای آن عمل است یا خیر، در حقیقت شک در این است که آیا آن عمل بدون قصد قربت، تحقق پیدا می‌کند. اصل عدم حکم به عدم تحقق می‌کند. در نتیجه زمانی می‌توان حکم به تحقق آن نهاد شرعی کرد که با قصد قربت همراه باشد (بنابراین، هرگاه شک در عبادت بودن یا نبودن نهادی شود، مقتضی اصل پیش‌گفته این است که آن عمل، عبادت است) (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۹).

از طرفی در مورد وقف، این ابهام وجود دارد که آیا وقف، از عبادات است، مثل صدقه

یا از عقود و معاملات است، مثل هبه؛ این ابهام سبب شده است که شک شود آیا بدون قصد قربت، ماهیت وقف، قابل تحقق است یا خیر؛ در این موارد، اصل عدم تحقق، حکم می‌کند مادام که در وقف، قصد قربت وجود نداشته باشد، وقف محقق نمی‌شود و در نتیجه برای تحقق آن، باید قصد قربت وجود داشته باشد (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۹).

نقد و نظر: ممکن است در پاسخ از استدلال مذکور گفته شود که تردیدی در ماهیت وقف وجود ندارد. وقف بدون تردید از عقود و معاملات است و از این رو برای تحقق آن، نیازمند انشای واقف است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۹). البته برخی محققان این نقد را وارد ندانسته‌اند، زیرا اینکه مسلم انگاشته شود که وقف ماهیتاً از قراردادها باشد، مصادره‌به مطلوب است و باید ابتدا این مسئله، اثبات شود. چه بسا گفته شود که وقف، ماهیتاً عبادت است، منتها عبادتی که نیازمند قصد انشا و انعقاد قرارداد است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۹).

صرف نظر از اینکه نقد پیش گفته وارد بوده یا نبوده باشد، اشکال استدلال به اصله الجزئیة در بحث حاضر این است که این تمسک به اصول عملیه زمانی امکان‌پذیر باشد که دلیل اجتهادی در مسئله وجود نداشته باشد. در حالی که در مسئله حاضر، دلیل اجتهادی وجود دارد.

۷. اصله التعبیه: اوامر الهی را می‌توان به دو دسته اوامر تعبیدی و توصلی تقسیم کرد. حال برخی گفته‌اند اصل در اوامر الهی، بر تعبیدیت است، لذا هرگاه در تأسیسی شرعی، شک شد که قصد قربت در آن لازم است یا خیر، اصل این است که قصد قربت در آن شرط است. در مورد وقف نیز این شک وجود دارد که قصد قربت در آن شرط است یا خیر؛ اصل مذکور حکم به لزوم قصد قربت در آن می‌کند (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۹: ۴۴۴). تمسک به اطلاق و عموم ادله برای اثبات عدم لزوم قصد قربت، صحیح نیست، زیرا قصد قربت از تقسیمات ثانویه حکم است و تقسیمات ثانویه چون نمی‌توانند در متعلق امر اخذ شوند، اطلاق دلیل از این حیث، قابل اعتنا نیست.

نقد و نظر: در اصول فقه ثابت شده است که در موارد دوران بین تعبیدیت و توصلیت، اصل بر توصلی بودن است (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۹: ۴۴۴). هر چند «قصد قربت» از

تقسیمات ثانویه استو نمی‌تواند به‌عنوان قید در متعلق امر اخذ شود و در نتیجه امکان تمسک به اطلاق دلیل هم وجود ندارد، ولی می‌توان با تمسک به اطلاق مقامی (نه اطلاق لفظی) عدم شرطیت قصد قربت را در وقف ثابت کرد.

۳. نظریه عدم لزوم قصد قربت در وقف

برخی فقها ضمن شروط لازم برای صحت وقف، اشاره‌ای به لزوم قصد قربت نکرده‌اند (عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۲۶؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۷۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۳؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲ق: ۱۱۷). به‌نظر می‌رسد ایشان، قصد قربت را شرط صحت وقف نمی‌دانند. ظاهر عبارت شیخ طوسی در الرسائل العشر آن است که قصد قربت در وقف شرط نیست، ولو ایشان در نهاییه به لزوم قصد قربت در وقف تصریح کرده‌اند. در الرسائل العشر آمده است: «در خصوص مردی سؤال شد که ملکش را به غیر صدقه داده است ولی قربه الی الله نگفته است و شاهدان نیز به این مطلب شهادت نداده‌اند. آیا صدقه‌دهنده می‌تواند رجوع کند؟ و اگر صدقه‌دهنده فوت شد ولی در صدقه رجوع نکرد، آیا آن ملک به فرزندش به ارث می‌رسد؟ حکم آن چیست؟ هرگاه وقف یا صدقه نقض شود (بدون قصد قربت باشد)، صحیح خواهد بود منتهی اگر بدون قصد قربت باشد، استحقاق ثواب را نخواهد داشت»^۱.

ظاهر عبارت محقق اول در شرایع نیز آن است که قصد قربت در وقف، شرط نیست، چراکه ایشان دیدگاه اعتبار قصد قربت را به دیگران نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «اگر مالی بر کافر ذمی وقف گردد، وقف صحیح است؛ زیرا وقف تملیک نوعی اباحه منفعت است. البته گفته شده است (وقف بر کافر ذمی) صحیح نیست، زیرا در وقف قصد قربت شرط

۱. طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۸. «مسأله: عن الرجل إذا تصدق علی غیره بملک له و لم يذكر فی الصدقة إرادة القربة إلی الله و لا شهد له بذلک الشهود، هل له أن يرجع فیها، و إن مات المصدق و لم یکن قد رجع فیها هل ترجع میراثنا إلی ولده؟ و ما الحكم فی ذلک؟ إذا کان ناقض بالوقف أو الصدقة حکم علیه بصحتها و إنما لا یستحق الثواب علیها إذا لم ینو القربة.»

بوده مگر وقف بر والدین». در این عبارت، اعتبار قصد قربت را ایشان، به دیگری نیست داده و ظاهرش آن است که خودشان به این دیدگاه، اعتقادی ندارد. برخی فقها، با تردید به شرطیت وقف اشاره کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۶۴) و برخی به صراحت منکر شرطیت قصد قربت برای وقف شده‌اند. به نظر می‌رسد اولین فقیهی که به صراحت منکر اشتراط قصد قربت در وقف شده است، فقعی است (فقعی، ۱۴۱۸ق: ۱۷۱). پساز وی، محقق کرکی به صراحت منکر شرطیت قصد قربت در وقف شده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۵). شهید ثانی در حاشیه مختصرالنافع، به این شرط اشاره نکرده است (۱۴۲۲ق: ۱۱۷)، ولی در حاشیه‌ارشاد به صراحت به اشتراط قصد قربت اشاره کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۲۳). در شرحلمعه، عدم لزوم قصد قربت را تصریح کرده و اعلام می‌فرماید که دلیلی بر لزوم قصد قربت وجود ندارد. ایشان علاوه بر این، این نظریه را به شهید اول در لمعه نیز نسبت می‌دهند (۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۶۵). در مسالک نیز به عدم لزوم قصد قربت در وقف تصریح کرده و این نظریه را به محقق اول نیز نسبت می‌دهند (۱۴۱۳ق، ج ۵: ۳۵۰). برخی دیگر از فقهای متأخر نیز قصد قربت در وقف را شرط نمی‌دانند (نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸؛ سیدیزدی، بی تا، ج ۱: ۱۸۶؛ امام خمینی در حاشیه‌وسيله النجاه، ۱۴۲۲ق، ۵۳۰؛ نیز بی تا، ج ۲: ۶۴؛ خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۳۳؛ سبزواری، بی تا: ۴۶۴؛ همچنین ۱۴۱۳ق، ج ۲۲: ۱۵؛ بصری بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۱۰۸؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۰۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق: ۴۳۵ و ۱۴۲۴ق: ۱۷؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳: ۲۶۴؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸ق: ۶۲۵؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق: ۴۹۵ و بی تا، ج ۲: ۴۵۰؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۹: ۴۴۴؛ روحانی، بی تا، ج ۲: ۴۴۸؛ فیاض، ۱۴۲۶ق، ۵۱۴ و بی تا، ج ۲: ۴۴۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۸۳؛ مصطفوی، ۱۴۲۳ق: ۶۱۱؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۲۳۶).

۱. محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۶۹: «و لو وقف علی الذمی جاز لأن الوقف تملیک فهو کإباحة المنفعة و قیل لا یصح لأنه یشرط فیہ نية القربة إلا علی أحد الأبوين».

به نظر می‌رسد همین نظریه در فقه حنبلی مورد پذیرش باشد، زیرا فقهای حنبلی در ضمن شروط صحت وقف، اشاره‌ای به لزوم قصد قربت نکرده‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۶۹؛ ابن قدامه (۱۳۸۸، ج ۶: ۹).

فقهای حنفیه نیز معتقدند که قصد قربت از شروط صحت وقف نیست. برای نمونه، ابن نجیم وقف را به سه دسته تقسیم می‌کند: وقف مباح، وقف مستحب و وقف واجب. در خصوص وقف مباح می‌نویسد، وقف مباح وقتی است که بدون قصد قربت باشد مثل وقف کافی ذمی و لذا ثوابی بر آن مترتب نمی‌شود: «صفته ان یکون مباحا و قربه و فرضا؛ فالاول بلا قصد القربة و لذا یصح من الذمی و لاثواب له و الثانی مع قصدها من المسلم و الثالث المنذور» (ابن نجیم، بی تا، ج ۵: ۲۰۶).

۳.۱. ادلة نظریه عدم لزوم قصد قربت

طرفداران نظریه دوم، برای اثبات نظریه خود به ادله متعددی استدلال کرده‌اند.

۱. عدم دلیل بر لزوم قصد قربت: یکی از ادله‌هایی که طرفداران این نظریه به آن متوسل شده‌اند، این است که دلیلی بر لزوم قصد قربت وجود ندارد (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۶۵ و ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۳۵۰). به دیگر سخن، در موارد شک در شرطیت یا جزئیت، اصل عدم شرط یا جزء است، مگر اینکه دلیلی بر شرطیت یا جزئیت، اقامه شود. در وقف نیز دلیلی بر شرطیت یا جزئیت قصد قربت وجود ندارد، از این رو اصل عدم مقتضی عدم لزوم قصد قربت در وقف است.

نقد و نظر: در پاسخ به این ادعا که دلیلی بر لزوم قصد قربت در وقف وجود ندارد، برخی محققان گفته‌اند نهاد وقف، با توجه به اینکه در آن قبول لازم نیست، از نهادهای خلاف اصل است (زیرا اصل این است که نمی‌توان بدون رضایت شخص، مالی را وارد ملک او کرد، در حالی که در وقف، چنین اتفاقی می‌افتد)، از این رو برای اثبات بطلان وقف بدون قصد قربت، کافی است دلیلی بر صحت وجود نداشته باشد. اصل در معاملات فساد است، مگر دلیلی بر صحت اقامه شود و از طرفی در خصوص صحت وقف فاقد قصد قربت، چنین دلیلی وجود ندارد، لذا وقفی که همراه با قصد قربت نباشد، باطل خواهد بود

(عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۲). به دیگر سخن، چون اصل در معاملات، فساد است، در خصوص وقف به میزانی می‌توان حکم به صحت آن اقامه کرد که یقین به صحت آن وجود داشته باشد و آن میزان عبارت است از وقفی که با قصد قربت همراه باشد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰: ۹۴).

مضاف بر این روایات متعدد و فتوای مشهور قدما، بر لزوم قصد قربت در وقف دلالتی کند. از این رو ادعای فقدان دلیل بر عدم لزوم قصد قربت، ادعای بلاذلیلی است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱: ۴۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰: ۹۴).

به نظر می‌رسد این نقد بر دلیل پیش‌گفته صحیح نباشد، چراکه در وقف قبول لازم است و اگر قبول در وقف لازم شد، نمی‌توان وقف را نهادی خلاف اصل دانست و چون خلاف اصل نیست، با توجه به عمومات صحت معاملات، اصل فساد در آن جاری نخواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰: ۹۴). همچنین ادله‌ای که بر لزوم قصد قربت در وقف اقامه شده است، همگی با مشکل مواجه‌اند.

۲. صحت وقف کافر ذمی: بسیاری از فقها بر این باورند که هرگاه کافر ذمی، مالی را وقف کند، وقف وی صحیح است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۶۴). مقتضای صحت وقف کافر ذمی، آن است که قصد قربت شرط صحت وقف نیست (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۲۱؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲۸: ۸؛ سید یزدی، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۶). چراکه قصد قربت از کافر، امکان‌پذیر نیست و اگر هم قصد قربت از کافر امکان‌پذیر باشد، بی‌فایده است، زیرا شرط صحت عبادات، اسلام و ایمان است، در حالی که کافر فاقد این شرط است، با وجود این، فقها وقف توسط کافر را صحیح می‌دانند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۸: ۹).

نقد و نظر: اینکه ادعا شود، قصد قربت از کافر ذمی، قابل تحقق نیست، بالوجدان صحیح نیست؛ چراکه کفار ذمی، متدین به یکی از ادیان الهی هستند و به پروردگار عالم اعتقاد دارند (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۵). از این روست که قرآن کریم در آیه ۶۶ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ» یا در آیه ۱۱۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ». در آیه ۱۹۹ سوره

نیز آمده است: «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ».

از اینکه وقف توسط کافر ذمی و عامی صحیح است، نمی‌توان نتیجه گرفت که در وقف، قصد قربت شرط نیست، بلکه صرفاً می‌توان نتیجه گرفت که در وقف، مثل سایر عبادات، ایمان شرط نیست (آخوند خراسانی، ۱۳۴۱ق: ۵). به دیگر سخن، می‌توان گفت به کمک اجماع می‌توان اثبات کرد که در وقف، ایمان شرط نبوده و لذا وقف توسط کافر ذمی، صحیح است. همچنین به کمک اجماع می‌توان لزوم قصد قربت در وقف را به اثبات رساند (آخوند خراسانی، ۱۳۴۱ق: ۵).

۳. اصل عدم اشتراط قصد قربت: در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار قصد قربت، اختلاف نظر زیادی بین فقها وجود دارد. در نتیجه برای محقق شک می‌شود که قصد قربت در وقف، معتبر است یا خیر، اصل عدم اعتبار قصد قربت است (عاملی، ۱۳۴۱ق، ج ۲۱: ۴۵۹؛ نجفی، بی تا، ج ۲۸: ۸).

نقد و نظر: اصل در معاملات، فساد است، مگر اینکه دلیلی به عموم یا اطلاق خود، دلالت بر صحت یک نهاد حقوقی کند. در این موارد، چنانچه در شرطیت یا مانعیت شک شود، به کمک اصالة العموم یا اصالة الاطلاق، حکم به صحت نهاد فاقد شرط یا واجد مانع می‌شود. در خصوص وقف، دلیل عام یا مطلق که دلالت بر صحت وقف بدون قصد قربت کند، وجود ندارد. از این رو نمی‌توان به اصالة عدم الاشتراط تمسک کرده و حکم به صحت چنین وقفی کرد (عاملی، ۱۳۴۱ق، ج ۲۱: ۴۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۴۱ق، ج ۱۰: ۹۴). با توجه به شهرت زیاد میان فقها و اجماعی که برخی محققان نقل کرده‌اند، جایی برای شک در مسئله باقی نمی‌ماند تا بتوان به اصل عدم اشتراط تمسک کرد (عاملی، ۱۳۴۱ق، ج ۲۱: ۴۵۹).

۴. عموم اوفوا بالعقود: برخی محققان به اطلاق آیه شریفه تمسک کرده و معتقدند در وقف، قصد قربت شرط نیست (سید یزدی، بی تا، ج ۱: ۱۸۶)، چراکه آیه شریفه لزوم وفای به عقد به طور مطلق حکم به لزوم وفای به قرارداد می‌کند. از طرفی وقف عقد بوده و به

موجب آیه شریفه فوق، وفای به آن لازم است. اطلاق آیه شریفه نشان می‌دهد قصد قربت شرط نیست (سید یزدی، بی تا، ج ۱: ۱۸۶).

نقد و نظر: معلوم نیست که وقف، از جمله قراردادها و عقود باشد تا آیه شریفه آن را در برگیرد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۵) و از طرفی نمی‌توان گفت منظور از «عقود» در آیه شریفه «مطلق عهد» است تا شامل وقف نیز شود نیز با این اشکال مواجه است که از طرفی، اینکه منظور از عقود، مطلق عهد باشد، در فقه طرفدار ندارد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۵). به اعتقاد برخی محققان، اگر مراد از آن، مطلق عهد باشد، با توجه به کثرت تخصیصات، عموم آیه شریفه موهون خواهد شد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۵).

۵. اطلاق روایت «الناس مسلطون علی اموالهم»: از اطلاق این روایت نیز عدم لزوم قصد قربت در وقف استنباط شده است (سید یزدی، بی تا، ج ۱: ۱۸۶). مطابق روایت شریفه الناس مسلطون، انسان حق هر نوع تصرف در مال خود را دارد، از جمله اینکه می‌تواند اموالش را وقف کند. این تصرف، مطابق روایت شریفه مذکور، جایز است، و لو قصد قربت نداشته باشد.

۶. روایت «الوقوف علی حسب ما اوقفها اهلها»: این روایت نیز مطلق است و به لزوم قصد قربت اشاره نکرده است.

نقد و نظر: از اطلاق روایت مذکور نمی‌توان استفاده کرد که در وقف، قصد قربت شرط نیست، زیرا روایت شریفه در مقام بیان نفوذ وقف است، منتها وقفی که با شرایط صحت همراه باشد. این روایت، شرایط صحت وقف را بیان نکرده است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۵). برای مثال بدون تردید از جمله شروط صحت وقف، تایید است، در حالی که در این روایت اشاره‌ای به این شرط نشده است.

۷. ناهماهنگی طبع وقف با قصد قربت: وقف عقدی تملیکی است و واقف مال خود را به موقوف علیهم تملیک می‌کند. حال همان‌طور که در عقود تملیکی دیگر نظیر هبه، هدیه و امثال آن، قصد قربت شرط صحت نیست، در وقف نیز قصد قربت شرط صحت نیست (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۲: ۱۵). برخی دیگر، با این بیان خواسته‌اند ناهماهنگی طبق وقف با قصد قربت را بیان کنند. بیان مطلب اینکه در وقف خاص، که نوعاً شخص مالی را وقف اولاد خود یا

اشخاص خود می‌کند، هدفش این است که مال را از اینکه در معرض نقل و انتقال قرار گیرد، مصون بدارد و چه‌بسا، قصد تقرب نداشته باشد (فاضل لنگرانی، ۱۴۲۴ق: ۱۷).

۴. نظریه لزوم قصد قربت در وقف عام و عدم لزوم قصد قربت در وقف خاص

برخی محققان بین وقف عام و وقف خاص، تفصیل داده‌اند. به نظر می‌رسد اولین نفری که بین این دو نوع وقف، تفصیل داده است، سید ابوالحسن اصفهانی باشد. ایشان در وقف خاص، قصد قربت را شرط نمی‌داند، ولی در وقف عام، ابتدا احوط لزوم قصد قربت را بیان کرده و سپس در اعتبار قصد قربت در وقف عام، تردید فرموده‌اند^۱ (اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۵۳۰). پساز ایشان آقای حکیم نیز همین تفصیل را وضوح بیشتری عنوان کرده‌اند. ایشان بنا بر احتیاط واجب، قصد قربت را در وقف عام شرط می‌دانند، ولی در وقف خاص، فتوی به عدم لزوم قصد قربت می‌دهند (حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۴۰).

تفصیلی که توسط این دسته محققان ارائه شده است، جهتش آن است که از طرفی ادله متعددی بر لزوم قصد قربت اقامه شده است و از این رو بسیاری از فقها قصد قربت در وقف را معتبر می‌دانند و از طرفی، در وقف خاص، به خصوص آنگاه که واقف، مال وقف بر اولاد می‌کند، انگیزه‌اش جلوگیری از نقل و انتقال مال است و چه‌بسا قصد قربت نداشته باشد. با وجود این نمی‌توان حکم به بطلان این دسته از موقوفات صادر کرد. از این رو ایشان تلاش کرده‌اند تا با ارائه تفصیل بین وقف عام و وقف خاص، بین نظریات دو گروه به نوعی آشتی برقرار کرده‌و راه میانه‌ای را طی کنند. ولی از مباحث قبلی معلوم شد، در وقف عام نیز دلیل قابل اعتمادی که لزوم قصد قربت را ثابت کند، وجود ندارد و در نتیجه این تفصیل بی‌مورد است.

۱. «الأحوط قصد القرية في الوقف، وإن كان في اعتباره نظر، خصوصاً في الوقف الخاص كالوقف على زيد و ذریته و نحو ذلك.»

۵. نتیجه

در خصوص لزوم یا عدم لزوم قصد قربت در وقف، بین فقها اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برخی فقها که مشهور قدما و برخی از متأخران و معاصران را شامل می‌شود، بر این باورند که قصد قربت، شرط صحت وقف است. مطابق دیدگاه این دسته از فقها، وقفی که فاقد قصد قربت باشد، باطل بوده و از درجه اعتبار ساقط است. ادله‌ای که برای اثبات این نظریه ارائه شده است، نقد و بررسی شد. به نظر می‌رسد به استناد این ادله نمی‌توان لزوم قصد قربت در وقف را اثبات کرد. نهایت چیزی که از این ادله استفاده می‌شود، از یک سو این است که در وقف مثل سایر اعمال می‌توان قصد قربت کرد، همچنان‌که ائمه اطهار(ع) در موقوفات خود، به قصد قربت تصریح فرموده‌اند. از سوی دیگر، می‌توانستفاده کرد هرگاه در وقف، قصد قربت وجود داشته باشد، این حکم صدقه که غیرقابل برگشت بودن باشد، بر آن بار می‌شود.

در مقابل این گروه، دو گروه دیگر قرار دارند؛ برخی فقها بین وقف عام و وقف خاص تفصیل داده‌اند. به نظر می‌رسد این نظریه صرفاً توسط دو تن از فقها ارائه شده است؛ میرزا ابوالحسن اصفهانی و آقای حکیم. شاید نتوان از ادله موجود، چنین تفصیلی استفاده کرد. پاره‌ای دیگر از فقها که شامل برخی متأخران و بسیاری از معاصران از جمله حضرت امام خمینی (ره) می‌شود، بر این اعتقادند که در وقف، قصد قربت شرط نیست. ظاهراً قانون مدنی ایران نیز از این نظریه تبعیت کرده و در وقف، قصد قربت را شرط نمی‌داند؛ چراکه قانون مدنی باینکه به شرایط اعتبار وقف پرداخته، در خصوص اشتراط قصد قربت سکوت اختیار کرده است و این بیانگر آن است که از نگاه نویسندگان قانون مدنی، قصد قربت، شرط صحت وقف نبوده است. در ضمن اشاره به ثمره بحث نیز حائز اهمیت است؛ بدین معنا که این مسئله در فروع متخلفی تأثیرگذار است. از جمله اینکه:

۱. در مسئله امکان درج شرط خیار در وقف و عدم امکان آن، بسیاری از فقها، به این دلیل که وقف، عبادت بوده و قصد قربت در آن شرط است، امکان درج خیار شرط در وقف را ممنوع می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۶۶؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۳۰۳؛

عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴: ۲۱۸؛ نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۷؛ اراکی، ۱۴۱۴ق: ۱۶۲؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۱؛ شیرازی، بی تا، ج ۲: ۳۲۴؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۶: ۹) /
۲. در خصوص امکان وقوع وقف به طور فضولی، نیز برخی فقها به استناد اینکه وقف، از عبادات است، فضولی در وقف را صحیح نمی‌دانند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۸).



کتابنامه

- قرآن کریم.

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۰۷ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن براج، قاضی (۱۴۰۶ق). *المهذب*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن تیمیه، عبدالسلام (۱۴۰۴ق). *المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل*، دوم، ریاض: مکتبه المعارف.
۴. ابن حاجب، عثمان بن عمر (۱۴۲۱ق). *جامع الامهات*، بی جا: الیمامه للطباعة والنشر والتوزیع.
۵. ابن زهره، حمزه (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع الی علمی الأصول والفروع*، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۶. ابن شاس، ابو محمد (۱۴۲۳). *عقد الجواهر الثمینه فی مذهب عالم المدینه*، چ اول، بیروت: دار الغرب اسلامی.
۷. ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۲ق). *رد المحتار علی الدر المختار*، چ دوم، بیروت: دارالفکر.
۸. ابن قدامه، عبدالله (۱۳۸۸). *المغنی*، قاهره: مکتبه القاهره.
۹. ابن نجیم، زین الدین (بی تا). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، بی جا: دار الکتب الاسلامی.
۱۰. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۳ق) *کتاب فی الوقف*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. اراکی، محمد علی (۱۴۱۴ق). *المسائل الواضحه*، چ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ق). *وسيلة النجاة مع حواشی الامام الخمينی، چ اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.*
۱۴. اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). *حاشیه کتاب المکاسب، چ اول، قم: انوار الهدی.*
۱۵. انصاری، زکریا (بی تا). *أسنى المطالب فى شرح روض الطالب، بی جا: دارالکتاب الاسلامی.*
۱۶. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب، چ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری (ره).*
۱۷. ایروانی، علی (۱۴۰۶ق). *حاشیه المکاسب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.*
۱۸. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.*
۱۹. بصری بحرانی، محمد امین (۱۴۱۳ق). *کلمة التقوی، چ سوم، قم: سید جواد وداعی.*
۲۰. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ق). *جامع المسائل، چ دوم، قم: دفتر معظم له.*
۲۱. تبریزی، ابوطالب (بی تا). *التعليقة الاستدلالية على تحرير الوسيلة، بی جا: بی نا.*
۲۲. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق). *منهاج الصالحین، چ دوم، قم: مجمع الإمام المهدي (عج).*
۲۳. تستری، اسدالله (بی تا). *مقابس الأنوار و نفائس الأسرار، چ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).*
۲۴. حلی، حسن بن علی (۱۴۱۱ق). *الجوهرة فى نظم التبصرة، چ اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.*
۲۵. حلی، محقق اول، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.*
۲۶. ----- (۱۴۱۲ق). *نکتانهایه، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.*
۲۷. ----- (۱۴۱۸ق). *المختصر النافع فى فقه الإمامیه، چ ششم، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.*

۲۸. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع*، چ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
۲۹. حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*، چ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳۰. حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۵ق). *منهاج الصالحین*، چ اول، بیروت: دار الصفوة.
۳۱. خلیل بن اسحاق (۱۴۲۶ق). *مختصر الخلیل*، چ اول، قاهره: دارالحديث.
۳۲. خمینی، سید روح الله (بی تا). *تحریر الوسیله*، چ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۳. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*، چ بیست و هشتم، قم: نشر مدینه العلم.
۳۵. رعینی، الحطاب (۱۴۱۲ق). *مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل*، چ سوم، بیروت: دارالفکر.
۳۶. رملی، شمس الدین (۱۴۰۴ق). *نهایه المحتاج إلى شرح المنهاج*، بیروت: دارالفکر.
۳۷. روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق (ع)*، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (ع).
۳۸. ----- (بی تا). *منهاج الصالحین*، بی جا: بی نا.
۳۹. دیلمی، سلّار (۱۴۰۴ق). *المراسم العلویة والأحكام النبویة*، چ اول، قم: منشورات الحرمین.
۴۰. دسوقی، محمد بن احمد (بی تا). *حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير*، بیروت: دارالفکر.
۴۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق). *المختار فی أحكام الخیار*، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۴۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (بی تا). *جامع الأحكام الشرعیة*، چ نهم، قم: مؤسسه المنار.
۴۳. ----- (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحكام*، چ چهارم، قم: مؤسسه المنار.
۴۴. سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *کفایة الأحكام*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴۵. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق). المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
۴۶. سیدمجاهد، محمد (بی تا). کتاب المناهل، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۴۷. سید یزدی، محمد کاظم (بی تا). تکملة العروة الوثقی، چ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۴۸. سیستانی، سید علی (۱۴۲۲ق). المسائل المنتخبة، نهم، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۴۹. ----- (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین، چ پنجم، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۵۰. سیفی مازندرانی، علی اکبر (بی تا). دلیل تحریر الوسیلة؛ الوقف، بی جا: بی نا.
۵۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۸ق). المسائل الشرعیة، چ اول، قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
۵۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۳. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۴ق). حاشیة الإرشاد، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۴. ----- (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۵۵. ----- (۱۴۱۹ق). فوائد القواعد، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۶. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۵۷. شیرازی، ابواسحاق (بی تا). المهذب فی فقه الإمام الشافعی، بی جا: دار الکتب العلمیه.
۵۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ق). هدیة العباد، چ اول، قم: دارالقرآن الکریم.
۵۹. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ق). حقوق مدنی، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۶۰. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۶۱. ----- (۱۴۰۹ق). *الشرح الصغير في شرح مختصر النافع؛ حديقه المؤمنين*، چ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
۶۲. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۶ق). *مبانی من هاج الصالحين*، چ اول، قم: منشورات قلم الشرق.
۶۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذيب الأحكام*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۶۴. ----- (۱۴۱۴ق). *الرسائل العشر*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۵. ----- (۱۳۸۷ق). *المبسوط في الفقه الاماميه*، چ سوم، تهران: المكتبه المرتضويه لاحياء الآثار الجعفرية.
۶۶. ----- (۱۴۰۰ق). *النهايه في مجرد الفقه و الفتاوى*، چ دوم، بیروت: دار الكتاب العربي.
۶۷. عاملی، سید جواد (۱۴۱۹ق). *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *تبصرة المتعلمين في أحكام الدين*، چ اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷۰. ----- (۱۴۲۰ق). *تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية*، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۷۱. ----- (۱۴۱۴ق). *تذكرة الفقهاء*، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۷۲. ----- (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۷۳. علیش، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق). *منح الجلیل شرح مختصر خلیل*، بیروت: دارالفکر.
۷۴. عمرانی، ابوالحسین (۱۴۲۱ق). *البيان فی مذهب الإمام الشافعی*، چ اول، جده: دارالمنهاج.
۷۵. عمیدی، سید عمید الدین (۱۴۱۶ق). *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۷۶. عینی، بدرالدین (۱۴۲۰ق). *البنایة شرح الهدای*، چ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۷. فاضل آبی، حسن (۱۴۱۷ق). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، چ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۷۸. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق). *الأحكام الواضحة*، چ چهارم، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۷۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۴ق). *تفصیل الشریعة؛ الوقف، الوصیة، الأیمان والنذور، الکفارات، الصید*، چ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۸۰. فقعی، علی بن علی (۱۴۱۸ق). *الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات والإیقات والعقود*، چ اول، قم: مکتبه امام العصر (عج) العلمیه.
۸۱. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۶ق). *رساله توضیح المسائل*، چ اول، قم: انتشارات مجلسی.
۸۲. ----- (بی تا). *منهاج الصالحین*، بی جا: بی نا.
۸۳. قرافی، ابوالعباس (۱۹۹۴). *الدخیره*، چ اول، بیروت: دارالغرب الإسلامی.
۸۴. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). *أنوار الفقاهة؛ کتاب الوقف*، چ اول، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۸۵. کرکی، محقق ثانی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۸۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۸۷. کیدری، قطب الدین (۱۴۱۶ق). *إصباح الشیعة بمصباح الشریعة*، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۸۸. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق). *هدایة العباد*، چ اول، قم: دارالقرآن الکریم.
۸۹. مجاهد طباطبایی، سید محمد (بی تا). *کتاب المناهل*، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۹۰. مرداوی، علاء الدین (بی تا). *الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، دوم، بی جا: دار احیاء التراث العربی.
۹۱. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۰۶ق). *منهاج المؤمنین*، چ دوم، قم: کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی (ره).
۹۲. مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۲۳). *فقه المعاملات*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹۳. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). *فقه الإمام الصادق (ع)*، چ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
۹۴. ----- (۱۴۲۱ق). *الفقه علی المذاهب الخمسة*، چ دهم، بیروت: دار التیار الجدید - دار الجواد.
۹۵. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *المقنعه*، چ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۹۶. مؤمن قمی، علی (۱۴۲۱ق). *جامع الخلاف و الوفاق*، چ اول، قم: زمینه‌سازان ظهور امام عصر (ع).
۹۷. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*، تهران: مؤسسه کیهان.
۹۸. نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۷۳). *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*، چ اول، تهران: مکتبه المحمدیه.
۹۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰۰. نووی، ابوذکریا (۱۴۱۲ق). *روضه الطالبین وعمده المفتین*، چ سوم، بیروت: المکتب الاسلامی.
۱۰۱. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق). *منهاج الصالحین*، چ پنجم، قم: مدرسه امام باقر (ع).

۱۰۲. یزدانی، غلامرضا (۱۳۹۹)، «صحت خیار شرط در وقف در فقه اسلامی»،
مجله جستارهای فقهی و اصولی، ش ۱۸، ص ۱۲۵-۱۴۹.

Reference

- Holy Quran

1. Aini, Badruddin (1420). *Al-Banayeh Sharh Al-Hedaya*, First Edition, Beirut: Scientific Library. (in Arabic)
2. Akhund Khorasani, Muhammad Kadhim. (1413). *A Book on Endowment*, First Edition, Qom: An Islamic propagation book and it was used by the University of Teachers of the Alamiya Qom. (in Arabic)
3. Alish. Muhammad ibn Ahmad. (1409). *The glorious description of Khalil*, Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
4. Allama Halli, Hasan ibn Yusuf (1410). *Guide the minds to the rules of faith*, First Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (In Arabic)
5. ----- (1413). *The rules of the rules in the knowledge of the lawful and the forbidden*, First Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (In Arabic)
6. ----- (1414). *Note to the jurists*, First Edition, Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)
7. ----- (1411). *The explanation of the learned in the rules of religion*, First Edition. Tehran: Publishing Institute affiliated to the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Arabic)
8. Allama Hilli. Hasan ibn Yusuf. (1420). *Writing the rules of Sharia on the religion of the Imams*. First Edition. Qom: Imam Sadegh Institute. (In Arabic)
9. Amidi, Sayed Amiduddin. (1416) *The benefits in solving the problems of the rules*, First Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. (in Arabic)
10. Ansari, Mortada (1415). *The Book of Benefits*, First Edition, Qom: World Commemoration Congress Sheikh Ansari, May God bless him and grant him peace. (in Arabic)
11. Ansari, Zakaria (Dateless). *The Most Exalted Talib in Explaining the Kindergarten of the Student*, No place: Dar al-Kitab al-Islami. (in Arabic)
12. Ardebili, Ahmad (1403). *The Collective of Interest and Evidence in Explaining the Guidance of the Minds*, First Edition, Qom: An Islamic spread book which was smeared by the University of Teachers in the scientific possession of Qom. (in Arabic)
13. Bahjat, Mohammad Taqi (1426). *Jame 'al-Masa'il*, Second Edition, Qom: Daftar Mu'azzamullah. (in Arabic)
14. Bahrani, Yusuf. (1405). *Al-Hadaiq Al-Nadhirah in the rules of pure Atrah*, First Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
15. Basri Bahrani, Mohammad Amin. (1413). *The word of piety*. Third Edition. Qom:

- Sayyid Javad farewell.(in Arabic)
16. Daylami, Salar (1404). *Al-Awsam Al-Alawiyawa Al-Ahkam Al-Nabawiyyah*, First Edition, Qom: Manshuraat Al-Harmain.(in Arabic)
 17. Desouki, Muhammad Ibn Ahmad. (Dateless). *Al-Desouki's margin on Al-Sharh Al-Kabir*. Beirut: Dar al-Fikr.(In Arabic)
 18. Factors, S.J. (1419). *The key to honor in explaining the rules of science*, First Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.(in Arabic)
 19. Fadhil Lankarani, Muhammad (1424). *Tafsil al-Shari'ah; Waqf. Will, Faith and vows, Atonement, hunting*, First Edition, Qom: The jurisprudential center of the pure Imams (peace be upon them).(in Arabic)
 20. Faqani, Ali Ibn Ali (1418). *Al-Dar Al-Manzud in the knowledge of the form of intentions, intentions and contracts*. First Edition, Qom: Imam al-Asr (AS) Scientific Library. (in Arabic)
 21. Fayyaz, Mohammad Ishaq (Dateless). *Minhaj Al-Saleheen*, No place: No publisher.(in Arabic)
 - 22.----- (1426). *Treatise on Clarification of Matters*, First Edition, Qom: Majlisi Publications.(in Arabic)
 23. Fazel Abi, Hassan (1417). *Discover the mysteries in the brief description of the benefits*, Third Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.(in Arabic)
 24. Fazel Lankarani, Muhammad (1422). *The clear rules. Fourth Edition*, Qom: The jurisprudential center of the pure Imams (peace be upon them).(in Arabic)
 25. Golpayegani, Sayyid Muhammad Reza (1413). *Hedayat al-Ibad*, First Edition, Qom: Dar al-Quran al-Karim.(in Arabic)
 26. Gray, Muhammad bin Hassan (1387). *Prolonged in Imami jurisprudence*, Third Edition, Tehran: Al-Muktabiyyah School for the Revival of Al-Jaafariyah Works. (in Arabic)
 - 27.----- (1400). *The end in the abstract of jurisprudence and fatwas*, Second Edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.(in Arabic)
 28. Hakim, Sayyid Mohsen (1410). *Minhaj Al-Saleheen*, First Edition, Beirut: Dar al-Ta'rif for publications.(in Arabic)
 29. Hakim, Sayyid Muhammad Saeed (1415). *Minhaj Al-Saleheen*. First Edition, Beirut: Dar Al-Safwa.(in Arabic)
 30. Hali, Yahya bin Saeed (1405). *Al-Jame 'for Sharia*, First Edition, Qom: Sayyid Al-Shuhada Al-Alamiya Foundation.(in Arabic)
 31. Halli, Hassan Ibn Ali (1411). *The Essence in the Order of Insight*, First Edition, Tehran: Publishing Institute affiliated with the Ministry of Culture and Islamic Guidance.(in Arabic)
 32. Halli, The first researcher, Ja'far Ibn Hassan (1408). *Shari of Islam in the issues of halal and haram*, Second Edition, Qom: Ismaili Institute.(in Arabic)
 33. Halli, The first researcher; Ja'far Ibn Hassan (1412). *The final point*, Second Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom.(in Arabic)

34. Halli, The first researcher; Ja'far ibn, Hassan (1418). *Al-Mukhtasar Al-Nafi 'in Imami jurisprudence*, Sixth Edition, Qom: Religious Press Foundation. (In Arabic)
35. Ibn Zahra, Hamza (1417). *Rich in the penchant for knowledge of origins and branches*, First Edition. Qom: Founder of Imam Sadiq. peace be upon him. (in Arabic)
36. Ibn Abdin, Muhammad Amin (1412). *Response of the Confused to Al-Durr Al-Mukhtar, Dom*, Beirut: Dar Al-Fikr. (in Arabic)
37. Ibnbarraj, Qazi (1406). *Al-mohazab*, Second Edition, Qom: No publisher. (in Arabic)
38. Ibn Edris, Mohammad (1407). *Al- Saraer al- Havi le Tahrir al- Fatava*, Second Edition, Qom: No publisher. (in Arabic)
39. Ibn Hajib, Othman bin Omar (1421). *Mosque of the Mothers*, No place: Al-Yamamah for printing. publishing and distribution. (in Arabic)
40. Ibn Najim, Zain Al-Din (Dateless). *The Beautiful Sea*. Explaining the Treasure of Minutes, No place: Dar Al Kitaab Al Islami. (in Arabic)
41. Ibn Qudamah, Abdullah. (1388). *Al-Mughni*, Cairo, Egypt: Cairo Library. (in Arabic)
42. Ibn Shas, Abu Muhammad (1423). *Holding precious jewels in the doctrine of the world of Medina*, First Edition, Beirut: Dar Al-Gharbislamic. (In Arabic)
43. Ibn Teimieh, Abdasslam (1404). *The Editor in jurisprudence on the doctrine of Imam Ahmed bin Hanbal*, Second Edition, Riyadh: The Knowledge Office. (in Arabic)
44. Imrani, Abolhossein (1421). *The statement in the religion of Imam al-Shafi'i*, First Edition, Jeddah: Dar al-Minhaj. (in Arabic)
45. Iraka, Muhammad Ali (1414). *Clear Issues*, First Edition, Qom: The spread of an Islamic message book that has knowledge of Qom. (in Arabic)
46. Irvani, Ali (1406). *Margin of Makaseb*, First Edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Arabic)
47. Isfahani, Muhammad Husayn (1418). *The Note to the Book of Benefits*, First Edition, Qom: Anwar al-Hada. (in Arabic)
48. Isfahani, Sayed Abu al-Hasan (1422). *A means of salvation with the footnotes of Imam Khomeini*, First Edition, Qom: his institution, The organization and publication of antiquities of Imam Khomeini, May God rest his soul. (in Arabic)
49. Kashif al-Ghatta, Hassan ibn Ja'far (1422). *The lights of jurisprudence; Book of Endowments*, Najaf: Kashif Al-Ghatta Institute. (in Arabic)
50. Khalil Ibn Ishaq (1426). *Mukhtasar Al-Khalil*, First Edition, Cairo: Dar al-Hadith. (in Arabic)
51. Khansari, Sayyid Ahmad (1405). *Comprehensive Evidence in a Brief Explanation of Benefits*, Second Edition. Qom: Ismaili Institute. (In Arabic)
52. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1410). *Minhaj al-Saleheen*, Twenty-eighth Edition, Qom: Madinah al-Alam Publishing. (in Arabic)
53. Khomeini, Sayyid Ruhollah (Dateless). *Tahrir al-Wasila*, First Edition, Qom: Dar al-Alam Press Institute. (in Arabic)
54. Kidari, Qutbuddin (1416). *Shiite morning with Sharia light*, First Edition, Qom:

- Imam Sadiq (as) Institute.(in Arabic)
- 55.Kirki,Mohaqq Thani (1414). *Comprehensive intentions in explaining the rules*,Second Edition,Qom: Al-Bayt Institute.(in Arabic)
- 56.Klini,Muhammad Ibn Ya'qub (1407). *Al-Kafi*,Fourth Edition,Tehran: Islamic Books House.(in Arabic)
- 57.Marashi Najafi,Sayyid Shahab al-Din (1406).*Minhaj al-Mu'minin*, Second edition,Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.(in Arabic)
- 58.Mardavi,Aladdin (Dateless). *Justice in recognizing the preferences of the dissenters*,Second Edition,No place: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.(in Arabic)
- 59.Mirza Qomi,Abu al-Qasim (1413).*Comprehensive questions in the answer to questions*,Tehran: Kayhan Institute.(In Arabic)
- 60.Momen Qomi,Ali (1421).*Comprehensive Al-Khalaf and Al-Wefaq*,First Edition,Qom: The founders of the emergence of Imam Asr (as).(in Arabic)
- 61.Mufid,Muhammad ibn Nu'man (1413).*Al-Muqna*,Second edition,Qom: Sheikh Mufid Millennium World Congress.(in Arabic)
- 62.Mughniyeh,Mohammad Jawad (1421).*Fiqh of Imam Sadiq (as)*. second edition,Qom: Ansarian Institute.(in Arabic)
- 63.Mughniyeh,Mohammad Jawad (1421). *Jurisprudence on the five religions*, second edition,Beirut: Dar Al-Tayyar Al-Jadid - Dar Al-Jawad. (in Arabic)
- 64.Mujahid Tabatabai,Sayyid Muhammad (Dateless).*Kitab al-Manahil*,First Edition,Qom: Al-Bayt Institute,Peace be upon them.(In Arabic)
- 65.Mustafawi,Sayyid Muhammad Kazim (1423).*Fiqh of transactions*,First Edition,Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.
- 66.Naini,Mirza Muhammad Hussein (1373).*Minya al-Talib in the margins of achievements*,First Edition,Tehran: Al-Mohammadiyah School.
- 67.Najafi,Mohammad Hassan (1404).*The jewel of theology in the explanation of Islamic law*,Seventh edition,Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- 68.Novi,Abu Zakaria (1412).*The shrine of the students and the intention of the muftis*,Third edition,Beirut: Islamic School.
- 69.Qarafi,Abu al-Abbas (1994). *Al-Zakhira*,First Edition,Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami.(in Arabic)
- 70.Raini,Al-Huttab (1412). *Mawaheb Al-Jalil in SharhMukhtasar Khalil*,Third Edition,Beirut: Dar al-Fikr.(In Arabic)
- 71.Ramli,Shams al-Din (1404). *The End of the Necessary to Explain the Curriculum*,Beirut: Dar al-Fikr.(in Arabic)
- 72.Rouhani,Sayyid Sadegh (1412). *Fiqh al-Sadiq (peace be upon him)*,Qom: Dar al-Kitab: School of Imam Sadegh (peace be upon him).(in Arabic)
- 73.----- (Dateless). *Minhaj Al-Saleheen*,No place: No publisher.(in Arabic)
- 74.Sabzevari,Mohammad Baqir (1423). *Kifayat al-Ahkam*,first edition,Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom.(in Arabic)

75. Sabzwari, Sayyid Abd al-'Ali (1413). *The polite rules*. Fourth Edition, Qom: Al-Manar Foundation. (in Arabic)
- 76.----- (Dateless). *Comprehensive Sharia Laws*, Ninth Edition, Qom: Al-Manar Foundation. (in Arabic)
77. Safi Golpayegani, Lutfullah (1416). *Hedayat al-Ibad*, First Edition, Qom: Dar al-Quran al-Karim. (In Arabic)
78. Sarakhsi, Muhammad Ibn Ahmad (1414). *Al-Mabsut*, Beirut: Dar al-Ma'rifah. (in Arabic)
79. Sayyid Mujahid, Muhammad (Dateless). *Kitab al-Manahil*, First Edition, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them. (in Arabic)
80. Sayyid Yazdi, Mohammad Kazem (Dateless). *Completion of Al-Urwa Al-Wathqa*, First Edition, Qom: Davari Bookstore. (in Arabic)
81. Seifi Mazandarani, Ali Akbar (Dateless). *The reason for writing the means; Al-Waqf*, No place: No Publisher. (in Arabic)
82. Shabir Zanjani, Sayyid Musa (1428). *Sharia issues*, First edition, Qom: Fiqh Publishing Institute. (in Arabic)
83. Shahid Thani, Zayn al-Din (1410). *Al-Rawdah al-Bahiyya in Sharh al-Lama'a al-Damashqiyya*, First edition, Qom: Davari Bookstore. (in Arabic)
84. Shahid Thani, Zayn al-Din (1413). *The Schools of Understanding to the Reformation of Islamic Laws*, First Edition. Qom: Institute of Islamic Knowledge. (in Arabic)
- 85.----- (1414). *Margin of Guidance. First Edition*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
- 86.----- (1419). *Benefits of Rules. First Edition*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
87. Shirazi, Abu Ishaq (Dateless). *The polite in the jurisprudence of Imam al-Shafi'i*, No place: Dar al-Kitab al-Almiya. (in Arabic)
88. Sistani, Sayyid Ali (1417). *Minhaj Al-Saleheen*, Fifth Edition. Qom: The office of Hazrat Ayatollah Sistani. (in Arabic)
- 89.----- (1422). *Selected Matters*, Ninth Edition, Qom: Office of Hazrat Ayatollah Sistani. (in Arabic)
90. Sobhani, Ja'far (1414). *Al-Mukhtar in the rules of choice*, First Edition, Qom: Imam Sadegh (as) Institute. (in Arabic)
91. Tabatabai, Sayyid Ali (1409). *the minor commentary in the brief brief; Hadiqa al-Mu'minin*, First Edition, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Quds Library Publications. (in Arabic)
92. Tabatabai, Sayyid Ali (1418). *Riyadh Al-Masa'il*, First Edition, Qom: Al-Bayt Foundation, Peace be upon them. (in Arabic)
93. Tabatabai Qomi. Sayyid Taqi (1426). *Foundations of Minhaj Al-Saleheen*, First Edition, Qom: East Pen Publications. (in Arabic)
94. Tabrizi, Abu Talib (Dateless). *the argumentative commentary on Tahrir al-Wasila*, No place: No publisher. (in Arabic)

95. Tabrizi, Jawad Ibn Ali (1426). *Minhaj Al-Saleheen*, Second Edition, Qom: Imam Al-Mahdi Assembly. (in Arabic)
96. Taheri, Habibollah (1418). *Civil Law*, Second Edition, Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Persian)
97. Testari, Asadullah (Dateless). *Mqabs al-Anwar wa Nafais al-Asrar*, First Edition, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them. (in Arabic)
98. The first martyr, Muhammad Ibn Makki (1417). *Sharia courses in Imami jurisprudence*, Second Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
99. Tusi, Muhammad Ibn Hassan (1407). *Tahdhib al-Ahkam*, Fourth Edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (in Arabic)
100. ----- (1414). *Al-Rasa'il al-Ashar*, Second Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
101. Wahid Khorasani, Hussein (1428). *Minhaj Al-Saleheen*. Fifth Edition. Qom: Imam Baqir School. (in Arabic)
102. Yazdani, Gholamreza (1399). The validation of the condition of derogation in a waqf contract, *Justraha-ya Fighi va usuli*. 18.

